

کارآفرینی

ترجمه: زهرا زاده غلام

تعریف مورد قبول واحدی از کارآفرینی وجود ندارد. برخی از مردم کارآفرینی را خلق نوآورانه، خلاق و پر تکاپوی کسب و کار و برخی آن را مترادف با خود اشتغالی می دانند. در زبان علمی، دو تعریف مسلط ترند. تعریف اول بر فرایند ها متمرکز است و کارآفرینی را فرایند پیگیری فرصت ها



و بکارگیری مجدد نیروهای مورد نیاز به منظور تبدیل ابتکار^۱ به واقعیت تعریف می کنند (استیونسون و جاریلو، ۱۹۹۰؛ آیرلند و سیرمون، ۲۰۰۳).^۲ تعریف دوم ساختار گرا است و ساختار قانونی مورد استفاده و یا تعهدات زمانی که فرد برای خلق کسب و کار جدید نیاز دارد را مورد توجه قرار می دهد. تعریف حقوقی شامل ساختار کنترلی (دولتی) مثل یک بنگاه یا شراکت است و دایره تحقیقات آمار که در صفحات بعد در مورد آن صحبت خواهد شد، آن را تعیین و تبیین می کند. با این وجود، بسیاری از مطالعات یک تعریف مستلزم (متعهد به) زمان در ساعات هفتگی کار بر روی ابتکار را به کار می برند. مطالعات اصلی که از این رویکرد بهره می برند، ۶ ساعت در هفته را به عنوان حداقل زمان مورد نیاز عنوان می کنند (هک و اسکانل، ۱۹۹۹).^۳

روی هم رفته، کارآفرینی منطقاً می تواند از طریق مشارکت در هر بخش از فرایند تأسیس کار (عملیات و یا ابتکارهای شغلی)، پول ساز باشد. این تعریف، خود اشتغالی شامل کسب و کارهای تقلیدی و همچنین نوآورانه در بر می گیرد و نه تنها تعهدی را در میزان ساعات گذرانده شده در حرفه، درصد مالکیت یا ساختار حقوقی شامل نمی شود، بلکه اندازه جاه طلبی مالی کارآفرین را نیز در بر نمی گیرد. در واقع پول ساز بودن تنها دلیل و یا حتی هدف اصلی کارآفرینی نیست. بسیاری از کارآفرینان انگیزه ها و یا اهداف اجتماعی و فردی خاصی در راه اندازی یک کسب و کار دارند. این تعریف گسترده متناسب کارآفرینان نسل سوم است، چون شامل استراتژی های بسیاری است که آن ها بمنظور دستیابی به اهداف متنوع خود از طریق مشارکت های تجاری بکار می گیرند.

^۱ Venture

^۲ Stevenson and Jarillo, 1990; Ireland, Hitt, and Sirmon, 2003

^۳ Heck and Scannell, 1999

چرا افراد کارآفرین می شوند؟

افراد یا از روی اجبار و یا با اختیار کارآفرین می شوند. گروه اول کسانی هستند که به دلیل شرایط محدود کننده اقتصادی، قادر به کسب درآمد یا دستمزد نیستند؛ شرایطی چون بازار کار ضعیف، تبعیضات ناشی از عواملی چون جنسیت، نژاد و یا سن. گروه دوم کسانی هستند که رؤیای پیگیری علایق خود را در سر می پرورانند، علایقی چون مبتکر موفق مالی شدن و یا



آشپز آماتوری که آرزوی تأسیس یک رستوران را دارد. این گروه کسانی هستند که دارای روش زندگی خاصی بوده و تمایل دارند خود رئیس خود بوده و یا ساعات کار انعطاف پذیری داشته باشند. بررسی ملی اقلیت مالکان کسب و کار^۴، اطلاعاتی را در زمینه اقلیت بودن یا نبودن مالکان کسب و کار جمع آوری نمودند. (پوریر، روگوف، لی و هک، ۲۰۰۳)^۵ این بررسی نشان داد کارآفرینان بالای ۵۵ سال انگیزه بیشتری برای استفاده از مهارت ها و توانایی های خود و همکاری در جامعه دارند و نسبت به جوان ترها از میزان رضایت شغلی بالاتری برخوردارند. تحقیق سال ۲۰۰۶ ثریونت نشان داد که یک سوم افرادی که خود را به نوعی کارآفرین می دانند یا تمایل به آن دارند، آغاز یک فعالیت و تجارت را به عنوان یکی از سه هدفی برشمردند که پس از بازنشستگی آرزوی تحقق آن را دارند. اگر این نتایج را تعمیم دهیم، کسانی که بالاجبار کارآفرین می شوند حدود دو سوم و آن ها که با اختیار کارآفرین می شوند یک سوم باقیمانده هستند. عوامل زیر از جمله محرک های کارآفرینی است برای کسانی است که اجبار آن ها را به فعالیت کارآفرینانه وادار کرده است:

۱. **شرایط اقتصادی.** یک اقتصاد ضعیف یا اقتصادی که در یک بخش خاص ضعیف عمل می کند، ممکن است به شدت فرصت های استخدامی را محدود کند. اگر خلبانی که ترک خدمت کرده بخواهد مجدداً به حرفه سابق خود باز گردد، با مشکلات بسیاری مواجه خواهد شد. وقتی صنعت هواپیمایی در حال تحمل رکود عمومی است. یک راه برای این خلبان می تواند این باشد که یک فعالیت کارآفرینانه، مثل شروع خدمات تاکسی فرودگاهی را آغاز کند یا کاملاً از این صنعت خارج شده و به کار دیگری مشغول شود.

۲. **تبعیضات.** گاهی تحت عنوان "تئوری کارگر غیر مفید"^۶ در ادبیات علمی، مطالعات نشان می دهند افرادی که در معرض قضاوت های تبعیض آمیز قرار دارند، به سمت کارآفرینی می روند. لایت و

^۴ The National Minority Business Owners Survey

^۵ Puryear, Rogoff, Lee, and Heck, 2003

^۶ the theory of the disadvantaged worker

روزانشتاین(۱۹۹۵)^۷، مین(۱۹۸۴)^۸ و ایوانز و لایتون(۱۹۸۷)^۹ شواهدی دال بر وجود این ارتباط ارائه دادند. مهاجری که در وطن خود مدیر یک بانک بوده، ممکن است در آمریکا موفق به دریافت یک شغل سطح پائین در بانک شود. بسیاری از مهاجران در پاسخ به کمبود امکانات استخدامی؛ از دانش، تجارب قبلی و روانی زبان گفتاری خود به عنوان ابزاری برای آغاز یک کسب و کار جدید بهره می جویند.

۳. **کمبود منابع.** کمبود منابع شخصی مثل تحصیلات، پول، یا اعتبار در واقع بیانگر نقطه آغاز فعالیت کارآفرینانه است. ادبیات علمی به این چالش در "تئوری قیود تسویه پذیر"^{۱۰} اشاره می کند و فرض می کند که افرادی که از منابع فردی اندکی برخوردارند، عموماً محدودیت بیشتری در گزینه های استخدامی نسبت به گزینه های کارآفرینانه دارند. در میان محققینی که شواهدی در این ارتباط یافته اند لایت و روزنشتاین(۱۹۹۵)، ایوانز و لایتون(۱۹۸۷) و بایتز(۱۹۹۰)^{۱۱} را می توان نام برد.

البته این بدان معنی نیست که افراد این گروه در گزینه های کارآفرینانه هیچگونه محدودیتی ندارند، اما از آن جا که موقعیت های کارآفرینانه بسیار زیاد هستند، کارآفرینی می تواند بهترین و قابل دسترس ترین عمل برای فردی باشد که منابع فردی اندک و محدودی مثل میزان تحصیلات پائین، مهارت پائین در مکالمه زبان انگلیسی و دارایی های مالی اندک دارد. برش^{۱۲} در سال ۱۹۹۲ و ایوانز و جوانوویک^{۱۳} در سال ۱۹۸۹ به نتایج مشابهی دست پیدا کردند. هنگامی که یک فرد با انتخاب های محدود (گزینه های در دسترس) خلق درآمد می کند، ممکن است از کارهای خدماتی مثل باغبانی، مرتب کردن منزل و ... اغلب به عنوان اولین قدم در فرایندی بهره جوید که نهایتاً به داشتن کارکنان و مشتریان بیشتر و بنابراین توسعه کسب و کار می انجامد.

عوامل زیر از جمله محرکات اصلی برای کسانی است که به اختیار خود مشغول فعالیت کارآفرینی شده اند:

۱. **پیگیری رؤیا.** بسیاری از افراد به دنبال فرصتی هستند تا رؤیا های خود را که بواسطه گرفتاری های شغلی مسکوت مانده اند، محقق کنند. فردی ممکن است آرزو داشته باشد موسیقی دان شود، تمبر جمع کند، مالک یک مهمانپذیر و یا آغازگر یک فعالیت غیر انتفاعی باشد. برخی دیگر رؤیای فعالیتی را دارند که با شغل دائمی آن ها در ارتباط است.

^۷ Light and Rosenstein (1995)

^۸ Min (1984)

^۹ Evans and Leighton (1987)

^{۱۰} the theory of liquidity constraint

^{۱۱} Bates (1990)

^{۱۲} Brush

^{۱۳} Evans and Jovanovic

۲. **مدیریت (اداره کردن) خانواده و محدودیت های زمان.** بسیاری از کسانی که در حین اشتغال به کسب و کار جدید می پردازند اصولاً بواسطه اشتغال تمام وقت، با محدودیت زمانی روبرو خواهند شد. اما کارآفرینانی که مشاغل تمام وقت هم ندارند مسئولیت های خانوادگی فراوانی مثل مراقبت از فرزندان یا پیران دارند که باعث می شود آغاز یک کار با زمان انعطاف پذیر و یا کسب و کار خانگی را یک گزینه برتر نسبت به مشاغل تمام وقت برشمارند.

۳. **برخورداری از نقش محدود.** بسیاری از کارآفرینان ساختار کسب و کار خود را به گونه ای می سازند که نقش های کمتری یا از لحاظ مدیریتی داشته باشد، یا ریسک مالی آن کمتر باشد و یا زمان کمتری را به خود اختصاص دهد. کارآفرینان در قالب نقش کارگزار، با بکارگیری نیروهایی برای شرکت در فعالیت کارآفرینانه خود با کمترین التزام و ریسک شخصی اقدام به این عمل می کنند. به عنوان مثال، فردی می تواند کسب و کاری را همراه با مدیریت آن خریداری نموده و فقط از راه دور آن را کنترل نماید؛ در این صورت می توان او را " مالک سرمایه گذاری"^{۱۴} نامید، به طوری که در کسب و کار سرمایه گذاری کرده ولی در مدیریت آن نقشی فعال و در عین حال محدود به عهده دارد.

۴. **برخورداری از انعطاف در طی زمان.** یک فعالیت کارآفرینانه می تواند طوری طراحی شود که درگیری فرد کارآفرین در آن در طی زمان متغیر باشد. فرد می تواند با کار پاره وقت شروع کرده و پس از بازنشستگی از شغل تمام وقت خود، کسب و کار جدید خود را بصورت تمام وقت ادامه دهد.

۵. **خلق ارزش.** بر خلاف اشتغال عادی، فعالیت کارآفرینانه می تواند خلق ارزش کند که مالک خود را از آن بهره مند سازد. اگر این کسب و کار موفق شود، در صورت تمایل فرد به بازنشستگی و یا تمایل به آغاز یک فعالیت کارآفرینانه دیگر، می تواند آن را به شخص دیگری واگذار نماید.

۶. **رئیس بودن.** رئیس خود بودن یکی از با ارزش ترین خصیصه های کارآفرینی است. پس از مدت ها در یک شغل ثابت کار کردن و به واسطه آن ایده های روشن برای کسب و کار جدید کسب کردن، یا پس از کار کردن برای مدیرانی که روش ها و تصمیمات مدیریتی آن ها نا امید کننده و منفی بوده است، کارآفرینان جذب موقعیتی می شوند که در آن توانایی تصمیم گیری برای همه امور مربوطه را دارا هستند. پالمر^{۱۵} (۱۹۹۸) دریافت که عدم رضایتی که فرد در شغل قبلی دارد و او را ترغیب به کارآفرینی می کند، با لذت و رضایت فرد از رئیس خود بودن همتراز است.

۷. **انجام یک کار نیک اجتماعی.** تحقیقات نشان می دهند یکی از جذاب ترین جنبه های کارآفرینی، توانایی به انجام رسانیدن یک هدف اجتماعی و سیاسی است. (لی و راگوف، ۱۹۹۶)^{۱۶} به نظر می رسد این امر خصوصاً برای افراد گروه اقلیت که معتقدند کارآفرینی به شکل مثبت بر گروه های نژادی تأثیر گذاشته و باعث اشتغال شده و دیگر مزایای اقتصادی در اجتماعات آنان دارد. (راگوف و همکاران، ۲۰۰۵). از طریق آغاز

^{۱۴} angel investing

^{۱۵} Palmer

^{۱۶} Lee and Rogoff, 1996

یک کسب و کار با اهداف توأم اقتصادی و اجتماعی، مثل یک مؤسسه خدمات پزشکی یا مدرسه، یا یک سازمان غیر انتفاعی که به اعضاء گروه خاصی، خدمات اجتماعی ارائه می دهد، یک کارآفرین می تواند به این اهداف بزرگتر دست یابد.